



In memory of Javad Tabatabai

The Cultural Landscape of the North of Behbahan (Tashan) from the Sasanian Era to the Present

Afshin Khosrowsani

Abstract

It is clear that in the past, written sources did not cover all parts of a xora, and some issues were ignored; it may be due to two reasons, one is that the author of the text purposed a specific purpose, and studied important and accessible parts for that intention, and the other is that it has not been possible to pay attention and view all parts of that region. Parts of Arrajan are in such a situation and only the name of these areas can be found in written sources at best. Located in the north of Behbahan, Tashan is one of the parts that cannot be found in most written sources, but it is Archaeologically significant. There is a lot of evidence of material culture in Tashan, indicating the appropriate and rich capacity of the region. One of the most important archaeological pieces of evidence that can be seen in the landscape is the mill. In most of the villages in this part, there are the remains of a mill, which suggests the potential of each part in agricultural affairs. It should be noted that we are not dealing with a homogeneous area here and there are villages that are not suitable places for agriculture and even have a different method of water supply compared to other villages. All things considered, one of the reasons for not paying attention to this region in written sources can be summed up in the distance from communication routes. On the other hand, Nevertheless, appropriate knowledge and awareness of the natural and cultural potential have contributed to the prosperity and sustainable living of this region.

Keywords: Tashan, cultural landscape, material culture, agriculture, Sasanian and Islamic era.

 <https://doi.org/10.22034/jinm.2000.704212>
© 2021 Iran National Museum. All rights reserved

برای استادیار جواد طاباطبائی

پهنه فرهنگی شمال بهبهان (تشان) از دوره ساسانی تا عصر حاضر افشین خسروثانی*

چکیده

در گذشته، منابع مکتوب تمام بخش‌های یک خوره را پوشش نمی‌داد و مناطقی در این میان نادیده انگاشته می‌شد؛ این کار می‌تواند دو دلیل داشته باشد، یکی اینکه نویسنده آن متن مکتوب، هدف و موضوع ویژه‌ای را دنبال می‌کرده و برای این کار بخش‌های مهم و قابل دسترسی را مورد مطالعه قرار می‌داد و دیگری اینکه، امکان پرداختن و مشاهده همه بخش‌های آن خوره از نزدیک نبوده است. بخش‌هایی از خوره ارجان چنین وضعیتی دارند و در منابع مکتوب نمی‌توان نشانی از آنها یافت و یا در خوشبینانه‌ترین حالت، تنها نام این مناطق ملاحظه می‌شود. تشان که در شمال بهبهان واقع شده یکی از بخش‌هایی است که در بیشتر منابع مکتوب نمی‌توان نشانی از نام و اهمیت آن یافت، اما به لحاظ باستان‌شناختی حایز اهمیت است. شواهد فراوانی از فرهنگ مادی در این بخش از ارجان مشاهده می‌شود که حکایت از ظرفیت مناسب و غنی تشان دارد. یکی از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی که در این پهنه به فراوانی دیده می‌شود، آسیاب است. در بیشتر روستاهای این قسمت آسیاب وجود دارد که حکایت از توان بالقوه هر بخش در امر کشاورزی دارد. تذکر این نکته لازم است که در اینجا با یک پهنه یکدست مواجه نیستیم و روستاهایی وجود دارد که مکان مناسبی برای کشاورزی نبوده و حتی روش متفاوتی برای تأمین آب نسبت به دیگر روستاها دارند. بر روی هم، می‌توان یکی از دلایل عدم توجه به این منطقه را در دوری از مسیرهای ارتباطی خلاصه کرد؛ از سوی دیگر، شناخت و آگاهی درست از توان بالقوه طبیعی و فرهنگی، شکوفایی و حیات پایدار این پهنه را دربر داشته است.

واژگان کلیدی: تشان، منظر فرهنگی، فرهنگ مادی، کشاورزی، دوره ساسانی، دوره اسلامی.

مقدمه

بخش قابل توجهی از دانش و اطلاعات ما درباره گذشته تاریخی از دل منابع مکتوبی بیرون می آید که در سده های گذشته تألیف شده اند. ارجان یکی از مناطقی است که محل توجه منابع مکتوب (طبری ۱۳۶۲؛ حمزه اصفهانی ۱۳۴۶؛ ابن حوقل ۱۳۶۶؛ اصطخری ۱۳۴۰؛ حسینی منشی ۱۳۸۵) بوده و گزارش ها و روایت های مختلفی درباره آن ذکر شده است. آگاهی جغرافیایی، تاریخی، زمین شناختی، کشاورزی و غیره درباره ارجان را مدیون منابع مکتوب هستیم. در کنار این مهم، شواهد گسترده فرهنگ مادی در این منطقه خود منبع قابل اتکای دیگری است برای شناخت بهتر و جامع تر ارجان و مناطق پیرامونی آن. بر روی هم، وجود منابع مکتوب غنی و شواهد فرهنگ مادی باعث شده تا ارجان بهتر و بیشتر مورد توجه محققان و باستان شناسان قرار گیرد. مطالعات درخور و ارزنده ای درباره ارجان انجام شده که هر کدام از منظرهای گوناگونی به آن نگریسته اند. با این حال، نشان، یکی از مناطق شمالی بهبهان امروزی، چندان مورد التفات مورخان و باستان شناسان نبوده و توجهی به آن نشده است. یکی از رسالت های مهم باستان شناسی، تعیین تاریخی کمابیش دقیق و علمی برای شواهدیست که از طریق فعالیت های میدانی به دست می آید؛ در این جستار چنین رسالتی را اولویت قرار نداده، بلکه آن پویایی و برهم کنش انسان با محیط خویش (در اینجا نشان) را دنبال کرده و آن ثمره و محصولی را که این تعامل برقرار کرده پیگیری می کنیم. در غیاب اطلاعات متنی کافی درباره نشان، فرهنگ مادی برجای مانده از گذشته، منبع قابل اتکایی برای درک پویایی و تغییر و تحولاتی است که در بستر پهنه به وقوع پیوسته است. در نشان آثار درخور و فراوانی از فعالیت های انسان باقی مانده که در غیاب گزاره های تاریخی، بهترین و مستدل ترین منبع برای خوانش و درک صحیح زیست انسان و تعامل آن با محیط پیرامون خویش است.

جغرافیای نشان

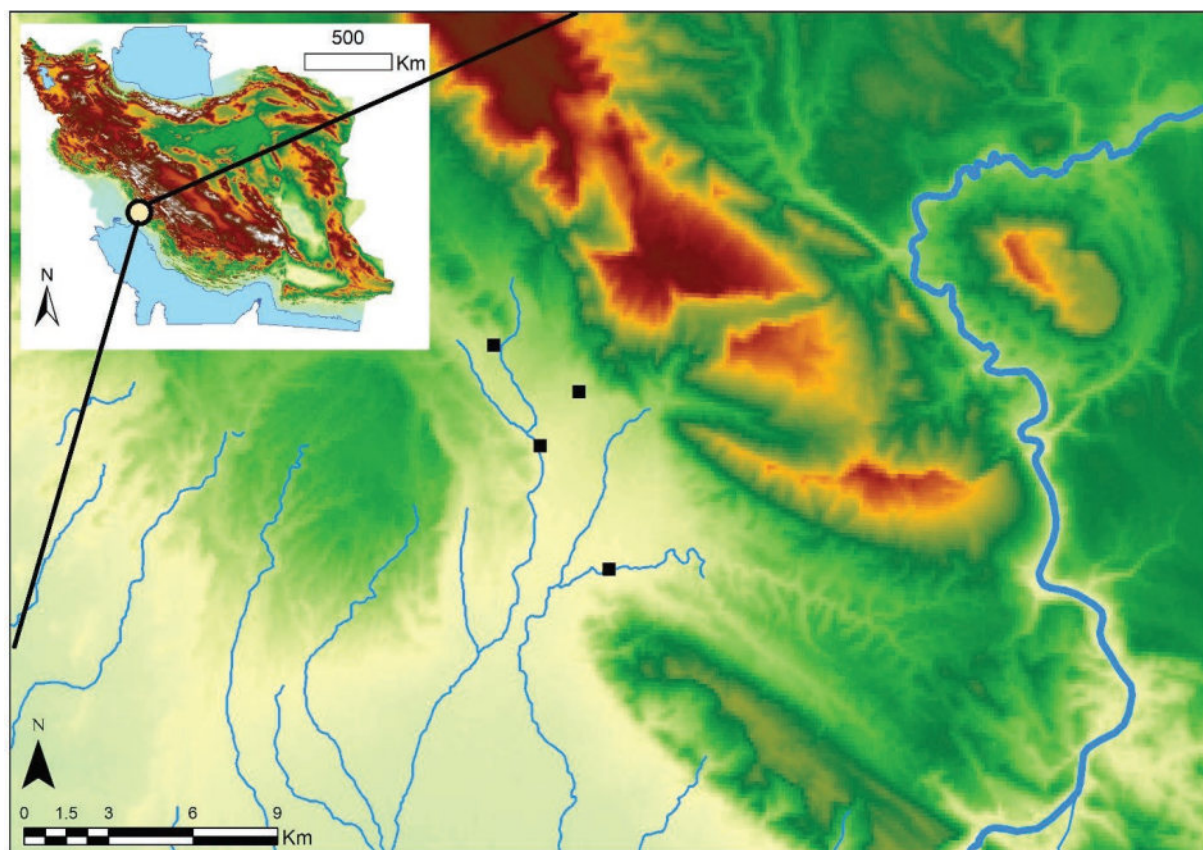
نشان در عرض جغرافیایی $30^{\circ} 45' 00''$ تا $30^{\circ} 53' 10''$ شمالی و طول جغرافیایی $50^{\circ} 42' 38''$ تا $50^{\circ} 18' 38''$ شرقی در ۳۲ کیلومتری شمال بهبهان امروزی واقع شده است (تصویر ۱). منطقه نشان با ارتفاع متوسط ۴۸۰ متر در نیمه شمالی دشت بهبهان قرار دارد. حداکثر ارتفاع آن منطبق بر تاقدیس بنگستان مرکب از کوه های ریش و حاتم به ترتیب با ارتفاع ۱۹۲۲ و حدود ۲۰۰۰ متر است که از شمال شرق به

سمت شمال آن کشیده شده و از نظر سنگ شناسی شامل سازندهای آهکی ایلام، سروک و کژدمی و ترکیبی از آهک رسی و شیل است. تاقدیس خاییز با لیتولوژی آهک آسماری و سن الیگو-میوسن در سمت جنوب دشت نشان واقع شده است (بابلی مؤخر و رامشت ۱۳۹۸: ۵۶-۵۵).

دشت نشان از شمال محدود است به تنگ بن، تل ریش، تنگ بَجَک و کوه حاتم، از جنوب به رشته کوه بدیل و حومه بهبهان و از غرب به قسمتی از شهرستان بهمنی و رشته کوه های وَرَزَرْد (مختاران ۱۳۹۴: ۴۱) (تصویر ۲). روستاهای حیات آباد مجیدی و حیات آباد خلیفه، تاکاییدی، پیرآباد، شَهرُوبی، ویسی، شَه نظری، توره ای، آهنگران، تَنگ بَن، وَرَزَرْد، یوسفی، مورگاه، کَلگَه زار، آبِلش، بَجَک و سَر جوشِر بخش نشان را تشکیل می دهد.

پیشینه تاریخی و باستان شناختی نشان

منابع مکتوب این بخش را چندان پوشش نداده و اطلاعات تاریخی اندکی درباره آن وجود دارد. یکی از قدیمی ترین منابعی که از این منطقه (نشان) یاد می کند، تاریخ پیامبران و شاهان محمد بن جریر طبری است. طبری در شرح فتوحات مناطق مختلف توسط اردشیر بابکان، می آورد: «آنگاه سوی فارس باز شد و آهنگ پیکار نیرو فر شاه اهواز کرد و از رامهرمز سوی ارگان و سسار و طاشان شد سپس به سرق رفت و از آنجا با جمعی از یاران خویش برنشست و بر کنار دجیل فرود آمد و شهر را بگرفت و شهر سوق الاهواز را بنیاد کرد و با غنیمت فراوان سوی فارس بازگشت» (طبری ۱۳۶۲: ۵۸۳). محمد میرک بن مسعود حسینی منشی، مورخ سده یازده هجری قمری، یکی دیگر از مورخان است که اشاره ای کوتاه اما مهم به نشان داشته است: «از مستحدثات شاپور و به دهدشت و بهبهان هر دو مقاربت دارد. برخی بنای آن را به قباد بن فیروز منسوب می سازند و برخی این قول را ضعیف شمرده اند. در قدیم الایام شهری معمور بوده. به اصناف خوبی ها و انواع بودنی ها آراسته و پیراسته، به روزگار ملاحده خرابی تمام به حال آن بلده راه یافته. هوایش گرمسیر و آبش از چشمه ای است که منبعش در قریه مذکور است» (حسینی منشی ۱۳۸۵: ۳۵). بارون دو بُد در اواسط سده سیزده قمری، به قصد بازدید از سنگ نگاره های الیمایی در تنگ سروک، از نشان عبور کرده و به خانه ها، ارگ ها و حمام های زیادی اشاره می کند (مختاران ۱۳۹۴: ۴۳). شایان ذکر است که نشان در مطالعات هاینس گاوبه، که منطقه ارجان و کهگیلویه را مطالعه و بررسی کرد، غایب است (گاوبه ۱۳۵۹). احمد اقتداری که در اثر خویش



تصویر ۱. موقعیت منطقه مورد مطالعه (نقشه از: محسن بهرامی نیا ۱۴۰۱).



تصویر ۲. محدوده دشت تشان (Google Earth 2021).

طبع رسیده است؛ اما تشان مورد التفات آنها نبوده است. یکی از محدود بررسی‌های باستان‌شناسی که تشان را مورد توجه قرار داده، هیأت باستان‌شناختی به سرپرستی کامیار عبدی و همکاران بوده است (عبدی و همکاران ۱۳۸۷).

از مطالعات هاینس گاوبه نیز استفاده کرده، بخش تشان را مورد نظر قرار داده و اطلاعاتی درباره این منطقه ارائه کرده است (اقتداری ۱۳۷۵). همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ارجان مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته و آثاری درباره آن به

حضور کم‌رنگ نشان در منابع مکتوب

یکی از دلایل فقدان این منطقه در منابع مکتوب را می‌بایست در مقوله راه‌ها و میزان دوری و نزدیکی این بخش به مسیرهای ارتباطی خلاصه کرد. اهمیت راه‌ها و طرق ارتباطی در زندگی جمعی بشر امری بدیهی و روشن است و رشد و ترقی تمدن‌ها با جاده‌ها ارتباط مستقیم داشته است. اهمیت راه‌ها تا بدان حد است که سطح فرهنگی هر منطقه و میزان توسعه آن را می‌توان با توجه به دوری یا نزدیکی آن به جاده‌ها و مسیرهای ارتباطی تعیین کرد. جاده‌ها تنها مسیر آمد و شد مردم عادی، قوای نظامی و یا بستری که فعالیت‌های تجاری بر روی آنها انجام شود، نبوده‌اند، بلکه به‌عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی، زمینه‌های انتقال دستاوردهای فکری و فرهنگی انسان‌ها به یکدیگر را فراهم می‌کرده‌اند. زندگی جمعی انسان‌ها حاصل کنش و تعاملات جمعی است و انتقال تجارب و مهارت‌های مردم هر منطقه به دیگران زمینه‌ساز پیدایش فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. این مناسبات میان انسان‌ها به‌وجود نمی‌آید مگر اینکه وسیله ارتباطی که همانا جاده‌ها بودند، به‌وجود آمده باشد. از این رو، از دیرباز جاده‌ها که بنا به انگیزه‌های مختلف ارتباطی به‌وجود آمده‌اند، در زندگی انسان‌ها بسیار بااهمیت بوده‌اند. به‌ویژه، پس از اینکه زندگی اجتماعی انسان در هر منطقه شکل مشخص‌تری به‌خود گرفت و حکومت‌ها نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند و زندگی انسان قانونمند شد، ایجاد راه‌ها و حفاظت و تأمین امنیت در آنها نیز سازوکار مشخص‌تری به‌خود گرفت (رضوی ۱۳۸۷: ۱۳۶). راهی که از شیراز به ارجان می‌رفت بیش از راه‌های دیگر در کتب جغرافیایی شرح داده شده و درباره آن هشت وصف جداگانه از جغرافی‌دانان مسلمان از جمله: ابن خردادبه، قدامه بن جعفر، ابن رسته، ابن فقیه، اصطخری، ابن حوقل، مقدسی و ابن بلخی رسیده که در پاره‌ای از منزلگاه‌های این راه بین کتاب‌های مراجع اختلاف است (لسترنج ۱۳۷۲: ۳۱۹). براساس توصیفات اصطخری و ابن حوقل، از خوزستان به عراق دو راه وجود داشت. یک راه از ارجان آغاز می‌شد و به آسک، دورق، باسیان، حصن مهدی، بیان، ابله و نهایتاً به بصره می‌رسید (اصطخری ۱۳۴۰: ۹۶) و دیگری از ارجان آغاز سپس به سوق‌سنبیل، رامهرمز، عسکر مکرّم، شوشتر، گندی‌شاپور، شوش، قرقوب، طیب و از آنجا به واسط ختم می‌شد (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۳۱-۳۰). راه‌هایی که جغرافی‌دانان ذکر کرده‌اند تا اندازه‌ای مشابه مسیرهای امروزیست. این راه‌ها نشان می‌دهد که نشان در گذشته به‌مانند امروز بر سر راه‌های ارتباطی نبوده و منطقه‌ای محصور و در حاشیه بوده است. براساس بررسی‌های هاینس گاو به، بیشترین محوطه‌ها

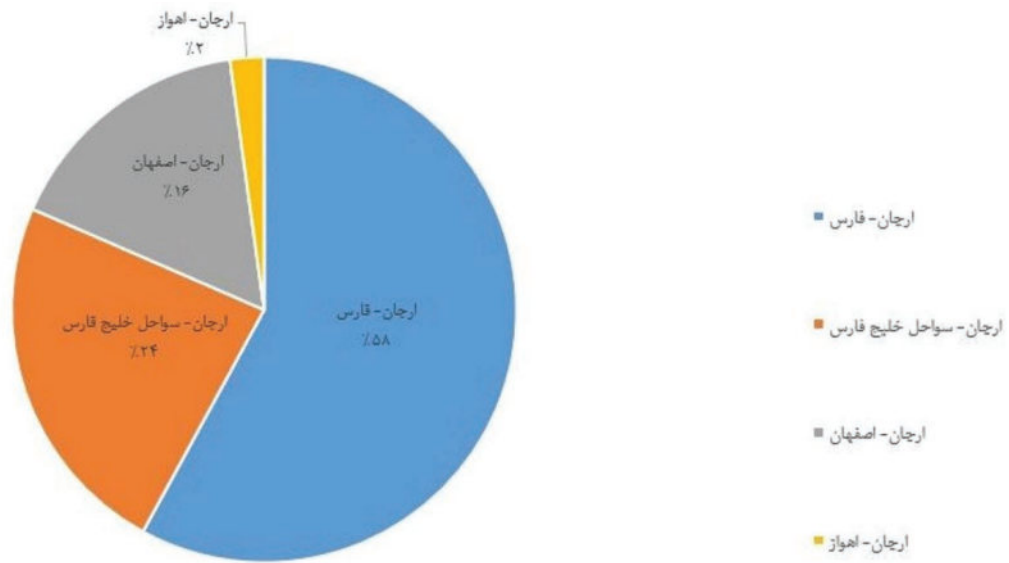
و استقرارگاه‌ها در مسیر ارجان به شیراز واقع شده و کمترین آنها در مسیر ارجان به عراق گزارش می‌شود. نویسنده این سطور تعداد محوطه‌ها و استقرارگاه‌هایی را که در این مسیرها از سوی هاینس گاو به ثبت شده شمارش کرده و پراکنش آنها را نشان داده است (تصویر ۳). دلیل دیگر برای کمبود اطلاعات در این مسیر را باید در مسافت و تردد افراد در مسیر ارجان به سواحل خلیج فارس دنبال کرد. این مسیر همواره مورد توجه بوده و با توجه به مسافت کمی که بین ارجان و بندر سینی و گناوه وجود داشته، رفت‌وآمد در آن امن‌تر و مقرون به‌صرفه‌تر بوده است (خسروثانی ۱۳۹۷: ۴۳-۳۴؛ گاو به ۱۳۵۹). بر روی هم، نبود اطلاعات کافی درباره نشان را باید در چنین بستری مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

با توجه به آنچه گفته شد، منابع مکتوب درباره نشان ما را چندان یاری‌رسان نیستند و آگاهی بسیار ناچیزی به ما عرضه می‌کنند. با چنین فقدان، برای شناخت پهنه فرهنگی نشان می‌بایست به ابزاری دیگر متوسل شد تا بتوان آن خلاء را تا حدودی پر کرد. شواهد باستان‌شناختی در اینجا می‌تواند این رسالت را انجام داده و ما را در خوانش بافت و بستر فرهنگی این منطقه یاری رساند. شواهد باستان‌شناختی در اینجا حکایت از ظرفیت بالا و مهم منطقه دارد؛ اهمیت دفاعی و کشاورزی از بارزترین خصیصه‌های پهنه نشان است که می‌توان آنها را به‌روشنی درک کرد. جریان‌های فصلی یکی از مهم‌ترین عوامل در رونق و پویایی کشاورزی نشان است. بیشترین روستاهای این منطقه در کنار جریان‌های فصلی واقع شده‌اند و مزارع و باغ‌های پرمحصولی دارند. با این حال، در اینجا با یک پهنه یکدست مواجه نبوده و برخی از روستاها محیط خشک و لم‌یزرعی دارند و به همین دلیل سبک زندگی و روش تهیه آب متفاوتی نیز در آنجا شاهد هستیم. روستای بَجَک یکی از معدود مکان‌هایی است که خشک و کم‌آب و علف بوده و پهنه‌ای متفاوت از دیگر روستاهای منطقه نشان دارد.

فرهنگ مادی منطقه نشان

بنای موسوم به کلیسا

بر سر اینکه ارجان در چه زمانی بنیان نهاده شد و اهمیت پیدا کرد تا حدودی اختلاف است، اما جمع‌کثیری از مورخان و جغرافی‌دانان بنیان آن را به قباد اول ساسانی نسبت داده‌اند (حمزه اصفهانی ۱۳۴۶: ۱۲۰؛ دینوری ۱۳۷۱: ۸۰؛ طبری ۱۳۶۲: ۶۴۱). بناهایی در نشان قرار دارد که اهالی آنجا، آنها را به قباد اول منسوب می‌کنند و معتقدند که اینجا همان به‌ازآمدکواذ است و بر این باورند که یکی از بناهای موجود مربوط به کلیسای نسطوری است (تصویر ۴)؛ مصالح بنا را



تصویر ۳. پراکنش استقرارگاه‌های خوره ارجان بر سر راه‌های ارتباطی (خسروثانی ۱۳۹۷: ۴۷).



تصویر ۴. بنای موسوم به کلیسا در روستای کلگه‌زار تشان (عکس از افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).

کردیم که درباره بنیان ارجان ابهاماتی وجود دارد؛ ثعالبی بنیان ارجان را به شاپور اول نسبت می‌دهد و معتقد است که شاپور اُسرای رومی را به این منطقه آورده و در کارهای عمرانی از آنها استفاده کرده است (ثعالبی ۱۳۸۵). دیگر مورخان و پژوهشگران بر این باورند که قباد با حمله به شهر اُمِد (دیاربکر امروزی)، تنی چند از اُسرا را به این منطقه آورده و اینجا را آباد کرده است (دینوری ۱۳۷۱؛ حمزه اصفهانی ۱۳۴۶؛ شوارتس ۱۳۷۳؛ مارکوارت ۱۳۷۳). فارغ از اختلاف میان مورخان بر سر پادشاهی که این خوره را بنیان نهاده است، نقطه اشتراک آنهاست که قابل تأمل است؛ اسیرانی که شاپور بزرگ به ایران‌شهر آورده است مسیحی بودند و آنهایی

سنگ و ساروج و گچ تشکیل می‌دهد. این بنا دارای تالاریست که در دو سوی آن اتاق‌هایی احداث کرده‌اند. جهت ساختمان شمالی-جنوبی است و محراب آن در ضلع شمالی واقع شده است. سقف بنا کوتاه و دیوارهای داخلی با طاق‌نما تزئین شده است. پنجره‌های باریک و بلند بنا به قوسی هلالی ختم می‌شود. اطراف بنا سراسر زیر پوشش جو و گندم است که حکایت از غنای کشاورزی در اینجا دارد (تصویر ۵). سوالی که در اینجا اهمیت پیدا می‌کند این است که آیا می‌توان این بنا را یک کلیسا دانست؟ پاسخ به این پرسش آسان نیست، اما می‌توان سرخ‌هایی پیدا کرد که دست‌کم این احتمال را که در ارجان کلیسا وجود داشت تقویت کند. در بالا اشاره



تصویر ۵. زمین‌های کشاورزی اطراف بنای موسوم به کلیسا (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).

مهم ارتباطی ارجان-فارس، ارجان-سمیرم، ارجان-خوزستان، و ارجان-سواحل خلیج فارس واقع شده‌اند. این قلعه‌ها به دلیل اینکه در مکان‌های مرتفع و تا حدودی صعب‌العبور ایجاد می‌شدند، نیازمند مکان‌هایی جهت ذخیره آب بودند تا در شرایط حساس و گاهی بحرانی، ساکنان آن دچار مشکل نشوند. در ارتفاعات نشان یک قلعه وجود دارد که حکایت از اهمیت دفاعی پهنه دارد (تصویر ۶). در محل آن را قلعه دختر می‌نامند و آن را به دوره ساسانی نسبت می‌دهند. در منابع مکتوب به قلعه دخترهای زیادی اشاره می‌شود که همگی آنها را مربوط به دوره ساسانی می‌دانند و ساخت آنها را به پادشاهان مختلفی نسبت می‌دهند. این قلعه از چند جهت به شیب‌های تند منتهی می‌شود که این به هدف و کارکرد قلعه برمی‌گردد. مصالح آن عموماً سنگ نتراشیده و ملات گچ است. قلعه در ارتفاع قابل توجهی بنا شده که دسترسی به آب را دشوار کرده است؛ به همین دلیل، در خود قلعه حوض آب وجود دارد که آب ساکنان را تأمین می‌کرده است (تصویر ۷). این حوض آب فرم نامنظمی دارد و از تکه سنگ‌های بزرگ و کوچک ساخته شده است. به‌منظور جلوگیری از نفوذ آب به بیرون، دیواره حوض را با لایه‌ای از ساروج اندود کرده‌اند. اندک سفال‌هایی از این قلعه به‌دست آمده که عموماً فاقد تزیین بوده

که قباد از شهر مسیحی‌نشین آمد کوچ داده نیز مسیحی بوده‌اند. منطقاً، این اسیران تابع کیش و آیینی بوده‌اند و برای آنها بنایی برای پرستش ایجاد شده یا خود بنا کرده‌اند. یک موضوع دیگر که حضور مسیحیان در ارجان را تقویت می‌کند، مناطقی به نام‌های دیر ایوب، دیر العمر و دیر جان است (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۰۲؛ گاو به ۱۳۵۹: ۵۹). شایان ذکر است که در این دیرها مسجد جمعه‌ای گزارش نشده است که این خود می‌تواند حکایت از حضور مسیحیان در آن مناطق داشته باشد. پی بردن به ماهیت اصلی این بنا در حال حاضر آسان نیست و درباره کلیسا بودن آن، شواهد بیشتری لازم است.

قلعه دختر

همان‌طور که در منابع مکتوب اشاره شد، قلاع متعددی در خوره ارجان وجود دارد که جهت دفاع از این منطقه و بر سر راه‌ها و مسیرهای مهم واقع شده‌اند. از جمله دلایل دیگری که به این قلعه‌ها اهمیت می‌بخشد، حضور جنبش اسماعیلی و فعالیت‌های آنان در این قلاع است. اسماعیلیان که در مناطق مختلف ایران دارای قلعه‌هایی بودند، در ارجان نیز قلاعی را برگزیدند که به نظر می‌رسد این قلعه‌ها پیش از اسماعیلیان در منطقه وجود داشتند. این قلعه‌ها در مسیرهای



تصویر ۶. بنای موسوم به قلعه دختر تشان (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۷. حوض آب بنای موسوم به قلعه دختر تشان (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷).

و برای تاریخگذاری قلعه کمک چندانی نمی‌کنند. قلعه بر تمام پهنه اشراق دارد و تا دوردست را پوشش می‌دهد (تصویر ۶).

آسیاب

از وجود آسیاب در ایران دوره ساسانی می‌توان به یقین یاد کرد. در این راستا، شواهد متعددی در تأیید این نکته وجود دارد. در منابع مکتوب چنین ذکر شده که شاهنشاه ساسانی، یزدگرد سوم، در محل آسیاب به قتل رسید. یزدگرد که از سوی ماهویه، مرزبان مرو، مورد تعقیب قرار گرفته بود به هنگام گریز در کرانه رود مرغاب به آسیابی پناه برد و در آنجا به قتل رسید (پیگولوسکایا ۱۳۷۲: ۲۹۷). در مجموعه حقوقی پهلوی ماتیکان درباره آسیاب‌ها و ساخت آنها در کنار رودخانه‌ها، نهرها و قنات‌ها و به حرکت درآوردن آسیاب‌ها، مطالبی بیان شده است. چند بند از این مجموعه مربوط به حقوق بناکنندگان آسیاب‌ها و نیز صاحبان اراضی است که آب رودخانه یا نهر از آنها جریان دارد و آسیاب بر روی آنها ایجاد شده است. با آنکه به صاحبان اراضی که آب رودخانه و یا نهر از آنها جریان دارد اجازه احداث آسیاب در نواحی متعلق به خود را داده‌اند، با این وجود، از حقوق معینی نیز برخوردار بوده‌اند (همانجا). در ماتیکان، همچنین، مطالبی درباره ارزش بخش‌های فنی آسیاب‌ها و لزوم توجه به آنها بیان شده است. بخش فنی آسیاب به صورت «رَخت - rahat» آمده است. رَخت شامل دستگاهی است که سنگ آسیاب را به حرکت وا می‌دارد (همان: ۲۹۸). همچنین، در بررسی‌های جیمز نیلی در دهلران، بقایایی از تنوره آسیاب‌ها مربوط به دوره ساسانی به‌دست آمد (Neely 2011: 232-254). بنابراین، می‌توان به یقین از وجود آسیاب در ایران دوره ساسانی سخن گفت (پیگولوسکایا ۱۳۷۲: ۲۹۸).

در ارجان آسیاب‌های زیادی وجود دارد که امروزه بخشی از مجرای آب و برج استوانه‌ای‌شکل (تنوره) آنها پابرجا است. مصالح این آسیاب‌ها سنگ و ساروج و گچ است. ارتفاع آنها متفاوت است به‌طوری که برخی نزدیک به پنج متر و برخی دیگر دو متر ارتفاع دارند. قطر دهانه آنها تقریباً یک متر است. بیشترین آسیاب‌ها در نزدیکی جریان‌های آبی و رودخانه‌ها ایجاد شده‌اند. منابع مکتوب درباره غنای کشاورزی ارجان اشاراتی داشته و آن را محل کشت محصولات متنوعی دانسته‌اند. برای نمونه، مقدسی چنین اشاره می‌کند: «ارجان ولایت بسیار مهمی است. محیطی دشتی، کوهستانی، دریایی و پر از درختان نخل و انجیر و زیتون و دخل و نعمت‌های آن فراوان است. عضالدوله دیلمی مکرر می‌گفت مقصود من از داشتن عراق عرب بلندی نام است و از داشتن ارجان دخل

آن است. این شهر خزانه فارس و بارانداز خوزستان و اصفهان است» (مقدسی ۱۳۶۱: ۶۳۴). یکی دیگر از جغرافی‌دانان دوره اسلامی که به محاسن ارجان اشارتی دارد اصطخری است که چنین می‌گوید: «ارجان شهری بزرگ و پر نعمت است. درختان نخل و زیتون و میوه‌های سردسیری و گرمسیری در آن بسیار است و آن شهری است بری و بحری و دشتی و کوهستانی و آب در آن جاری است و از آنجا تا دریا یک منزل راه است» (اصطخری ۱۳۴۰: ۱۲۸). حمدالله مستوفی در سده هشتم هجری قمری، به ارجان اشاره می‌کند و آن را این چنین توصیف می‌کند: «آن زمین را ربیعی نیکو است و از همه نوع میوه‌ها باشد و خرما بسیار بود و در آنجا انار ملیس سخت نیکو باشد و مشمومات خوب بود و در آن حدود قلاعی است چون قلعه طیغور و کلات» (مستوفی ۱۳۶۲: ۱۷۷). در ارجان فعالیت‌های اقتصادی زیادی انجام می‌شده است و از این شهر کالاهایی به نقاط دیگر صادر می‌شد. مقدسی نیز اشاره می‌کند که ارجان «انبار آذوقه فارس و غله خوزستان و اصفهان است» (مقدسی ۱۳۶۱: ۶۷۲). اینها اهم اشاره‌هایی است که درباره کشاورزی ارجان شده است. اگر دو محصول جو و گندم را مهم‌ترین محصولات بدانییم که در ارجان کشت و برداشت می‌شده است، آنگاه وجود آسیاب‌های فراوان در بخش‌های مختلف پهنه قابل توجه است. به بیانی دیگر، منطق ایجاد آسیاب‌ها در بخش‌های مختلف پهنه ارجان را باید در مستعد بودن زمین‌های کشاورزی این منطقه و برداشت قابل توجه جو و گندم دانست.

در روستاهای تشان شواهد زیادی از بقایای آسیاب به‌دست آمده که در نوع خود قابل توجه است. در روستای آبلش بقایای دو آسیاب پابرجاست که در نزدیکی چشمه‌ای به نام شهریاری بنا شده‌اند و محتمل است که از آب این چشمه تغذیه می‌کردند (تصویر ۸). یکی از آسیاب‌ها هر سه قسمت، یعنی تنوره، کانال آب و ساختمان اصلی را دارد و آسیاب دیگر فاقد مورد سوم، ساختمان اصلی، است (تصاویر ۹ و ۱۰). مصالح آسیاب را سنگ‌های نتراشیده، گچ و ساروج تشکیل می‌دهد. به‌منظور جلوگیری از نفوذ آب به بیرون، درون تنوره را با ساروج اندود کرده‌اند. قطر دیواره تنوره‌های اینجا بین ۶۰ تا ۸۰ سانتی‌متر است. تنوره‌ها به صورت دایره‌ای و قطر شمالی-جنوبی آن قریب به یک متر و قطر شرقی-غربی آن کمی بیش از یک متر است. با توجه به حجم انباشت دورریزها و زباله‌ها در کف تنوره‌ها، تخمین عمق دقیق آنها آسان نیست. طول کانال (مجرای آب آسیاب) اصلی بین پنج تا ده متر است. با توجه به کارکرد آسیاب‌ها، اندازه عرض مجرای آب از ۵۰ سانتی‌متر تا یک متر متغیر است؛ به سخنی دیگر، هر چه به



تصویر ۸. چشمه شهریار در روستای آبلش (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).



تصویر ۹. بقایای تنوره آسیاب روستای آبلش (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).



تصویر ۱۰. ساختمان اصلی آسیاب روستای آبلش (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).

شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۷). بهمانند آسیاب‌های روستاهای آبلش و پیرآباد، آسیاب آهنگران نیز در کنار جریان‌های فصلی قرار گرفته است. تنها شواهد برجای‌مانده از این آسیاب همان نهرآب و تنوره است؛ به غیر از یکی از آسیاب‌های آبلش که دارای ساختمان اصلی نیز بود، مابقی آسیاب‌ها فاقد ساختمان اصلی هستند. بر روی تپه آهنگران سفال‌های فراوانی وجود داشت که تعدادی از آنها برای نمونه در اینجا آورده می‌شود (تصویر ۱۸ و جدول ۱). سفال‌های تپه آهنگران عموماً بدون لعاب هستند و تنها یک نمونه سفال لعابدار در مجموعه وجود دارد. این سفال‌ها، از نظر فرم، طیف وسیعی از ظروف دهانه‌باز تا بسته، شامل انواع کاسه، کوزه و خمره را شامل می‌شود. سفال‌ها همگی چرخ‌ساز و خمیره آنها به رنگ خاکستری و نخودی است. یافته‌های سفالی جمع‌آوری‌شده از تپه آهنگران بر اساس شباهت‌هایشان در فرم، خمیره و تزیین با سفال‌های تل گسر رامهرمز و سفال‌های مجموعه آندرو ویلیامسون تاریخگذاری شده‌اند (Alizadeh 2014; Priestman 2005). بر اساس این مقایسه، سفال‌های تپه آهنگران از دوره ساسانی تا دوره اسلامی قابل تاریخگذاری هستند؛ سفال شماره ۳ در این مجموعه با تکنیک نقاشی روی لعاب تزیین شده که طبق تاریخگذاری آندرو ویلیامسون، متعلق به سده‌های متأخر است (Priestman 2005: 407-409; pl. 126-139).

دهانه تنوره نزدیک می‌شویم از عرض کانال کاسته می‌شود (تصویر ۱۱)؛ این کار باعث شدت و سرعت آب در نزدیکی دهانه تنوره می‌شده است. در اطراف این آسیاب‌ها زمین‌های کشاورزی فراوانی وجود دارد که جملگی مزارع جو و گندم هستند و محصول خوبی فراهم می‌کنند. وجود این آسیاب‌ها حکایت از این دارد که غلات این روستاها در گذشته از طریق همین آسیاب‌ها آرد می‌شده و مورد استفاده اهالی و ساکنان مناطق اطراف قرار می‌گرفته است.

یکی دیگر از روستاهای تشان که در آن شواهد زیادی از آسیاب‌ها قابل مشاهده است، روستای پیرآباد است. این روستا که در نزدیکی جریان‌های فصلی قرار گرفته، دارای آسیاب‌های فراوانی است. این آسیاب‌ها با فاصله کمی از روستا و در کنار جریان‌های آبی واقع شده‌اند. وجود زمین‌های زیرکشت، لزوم این آسیاب‌ها را ضروری می‌کرد. طبق گفته اهالی اینجا، آسیاب‌های زیادی در این روستا وجود داشته که طی زمان از بین رفته و دیگر احیاء نشدند. امروزه بقایای سه آسیاب در این روستا وجود دارد که یکی از آنها تنها شامل تنوره است (تصویر ۱۲) و دوتای دیگر شامل نهر آب و تنوره هستند (تصاویر ۱۳ و ۱۴). یکی از کانال‌های آبی که در گذشته آسیاب‌های پیرآباد را تغذیه می‌کرده، امروزه نیز موجود است (تصویر ۱۵).

یکی دیگر از بخش‌های تشان که در آن آسیاب وجود دارد، روستای آهنگران است. این آسیاب در نزدیکی تپه آهنگران واقع



تصویر ۱۱. یکی دیگر از آسیاب‌های روستای آب‌لش (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).



تصویر ۱۲. بقایای تنوره آسیاب روستای پیرآباد (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۱۳. بقایای نهر آب و تنوره یکی دیگر از آسیاب‌های روستای پیرآباد (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۱۴. بقایای نهر آب و تنوره یکی دیگر از آسیاب‌های روستای پیرآباد (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۱۵. کانال آبی که در گذشته آسیاب روستای پیرآباد (تصویر ۱۴) را تغذیه می‌کرد (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).

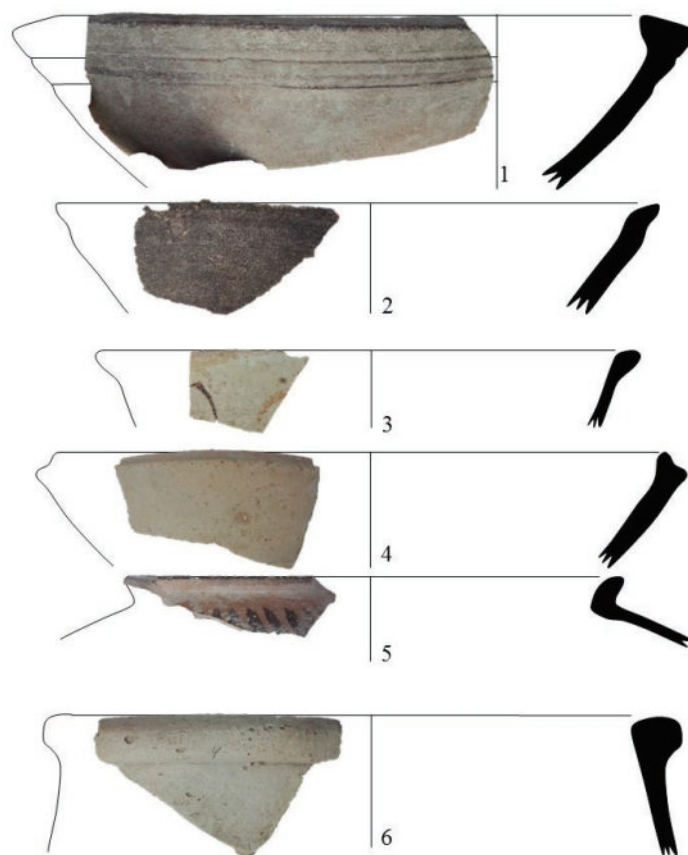
بر روی هم، تاریخگذاری این آسیاب‌ها در غیاب شواهد مستند آسان نیست، اما می‌توان آنها را به دوره اسلامی و عموماً سده‌های متأخر نسبت داد. همانند دیگر آسیاب‌های شناخته‌شده مناطق مختلف ایران، آسیاب‌های این منطقه دارای سه بخش اصلی نهر، تنوره (برج آب) و ساختمان اصلی بوده‌اند که تأسیسات مکانیکی و انبار را شامل می‌شده است (Harverson 1993: 1- 5)، اما در بیشتر روستاها ساختمان اصلی از بین رفته و به جز یک مورد، شواهدی از ساختمان اصلی آسیاب در این مناطق به‌دست نیامده است. وجود آسیاب‌های فراوان در تشان می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد اما یکی از مهم‌ترین دلایل به افزایش محصولات کشاورزی برمی‌گردد که تأسیس آسیاب‌های جدید را به دنبال داشت. افزایش کشت و برداشت جو و گندم باعث ایجاد آسیاب‌های جدید می‌شد و تقاضایی که برای آردکردن حجم رو به افزایش غلات وجود داشت، آسیاب‌ها را رونق می‌بخشید. مشهور است که از روستاها و بخش‌هایی که فاصله نسبتاً زیادی با تشان و نواحی اطراف آن داشتند برای آردکردن گندم‌هایشان به تشان می‌آمدند و از آسیاب‌های این منطقه استفاده می‌کردند.



تصویر ۱۶. تپه آهنگران (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۱۷. بقایای آسیاب روستای آهنگران (عکس از: افشین خسروثانی، ۳ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۱۸. نمونه سفال‌های تپه آهنگران.

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ سطح داخلی	رنگ خمیره	تزیینات	منبع مقایسه
۱	کافی	معدنی	خاکستری	خاکستری	خاکستری	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۲	کافی	معدنی	خاکستری	خاکستری	خاکستری	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۳	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	منقوش	Alizadeh 2014
۴	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۵	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	نوارهندسی	Alizadeh 2014
۶	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014

جدول ۱. مشخصات سفال‌های تپه آهنگران.

و خمیره آنها به رنگ خاکستری، قرمز، نارنجی و نخودی است. یافته‌های سفالی جمع‌آوری‌شده از محوطه بَکَک بر اساس شباهت‌هایشان در فرم، خمیره و تزیین با سفال‌های تل گسر رامهرمز و سفال‌های مجموعه آندرو ویلیامسون تاریخگذاری شده‌اند (Alizadeh 2014; Priestman 2005). بر اساس این مقایسه، سفال‌های محوطه بَکَک از دوره ساسانی تا دوره اسلامی قابل تاریخگذاری هستند (Alizadeh 2014: pl. 124-144-132-125) (تصویر ۲۲الف و ۲۲ب و جدول ۲). اشاره شد که این بخش برای کشاورزی مناسب نیست و خشکی و کم‌آبی آن چنین امری را دشوار می‌کرد. البته، کشاورزی به صورت دیم تا حدودی امکان‌پذیر است. در مقابل، شاهد فعالیت‌های دامپروری در اینجا هستیم و شواهد این فعالیت به‌خوبی نمایان است (تصویر ۲۳). یک فرض محتمل این است که این محوطه در تمام سال محل فعالیت افراد کوچ‌رو نبوده و تنها بخشی از سال پذیرای آنها بوده و منطقاً باید فصل زمستان را که آب‌وهوا مساعد بوده متصور باشیم.

سخن پایانی

در آغاز این جستار به کمبود اطلاعات متنی درباره تشان اشاره کردم و این عامل را در عدم شناخت و التفات به این بخش مؤثر دانستم. منابع مکتوب بارها از رونق کشاورزی در ارجان یاد می‌کنند اما به صورت دقیق اشاره نمی‌کنند که منظور مرکز خوره است یا همه بخش‌ها و مناطق خوره. منطقاً اگر منابع به صراحت روشن می‌کردند که کدام بخش‌های ارجان از لحاظ کشاورزی غنی هستند، آنگاه تحلیل روابط و تعاملات بین بخش‌های مختلف خوره تا اندازه‌ای آسان‌تر می‌بود. یک فرض محتمل این است که این گزاره‌ها درباره کشاورزی ارجان شامل همه بخش‌های ارجان می‌شده است. فرض دیگر این است که این اطلاعات تنها اشاره به مرکز ارجان (بهبهان امروزی) می‌کند و نواحی و مناطق پیرامون ارجان از جمله

بنای خان‌نشین و برکه‌های روستای بَکَک

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، یکی از روستاهای تشان که نسبت به دیگر روستاها منظری کاملاً متفاوت دارد، روستای بَکَک است. این روستا در بخش خشک و کم‌آبی واقع شده و محل مناسبی برای کشاورزی نیست. چند سازه مهم در اینجا وجود دارد که در نوع خود شایان توجه‌اند (خسروثانی ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۱) (تصویر ۱۹). در این روستا بنایی با ابعاد ۳۰×۳۰ که مصالح آن تماماً سنگ نتراشیده و گچ است وجود دارد (تصویر ۲۰). با توجه به ابعاد این ساختمان، به نظر می‌رسد که یک بنای خان‌نشین بوده است. در داخل و اطراف این بنا ۴ برکه مستطیل‌شکل (هر یک به ابعاد ۳×۷) وجود دارد (تصویر ۲۱). یک برکه در حیاط بنای خان‌نشین واقع شده است. سه برکه دیگر در فاصله نه‌چندان دور از بنا واقع شده‌اند (تصویر ۱۹). مصالح این برکه‌ها سنگ و ساروج است. عمق آنها یک و نیم متر است؛ البته این نمی‌تواند عمق واقعی آنها باشد، زیرا که فرسایش و دخالت‌های انسانی در پُر شدن آنها نقش مؤثری داشته است. درون آنها را با ساروج اندود کرده‌اند. روباز یا مسقف بودن برکه‌ها روشن نیست. روش تهیه و تأمین آب در اینجا مسئله‌ای است مهم و حایز اهمیت. با توجه به قرار گرفتن بنا و برکه‌ها در کنار جریان آب، محتمل به نظر می‌رسد که با حفر کانال، می‌توانستند برکه‌ها را پر کنند. مسیری که آب در آن جاری می‌شود، ارتفاع قابل ملاحظه‌ای نسبت به سطح روستا ندارد و به راحتی می‌توان با حفر کانال آب را به این برکه‌ها منتقل کرد. سفال‌های مختلفی در این منطقه نیز به‌دست آمده است. با توجه به بافت و موقعیت محوطه، به نظر می‌رسد که بخشی از سفال‌های محوطه به همراه سیل و جریان‌های آبی وارد محوطه شدند. سفال‌های محوطه بَکَک عموماً بدون لعاب هستند. از نظر فرم، این سفال‌ها طیف وسیعی از ظروف دهانه‌باز تا بسته، شامل انواع کاسه، کوزه و خمیره را شامل می‌شود. سفال‌ها همگی چرخ‌ساز

دیگری که در بالا ذکر شد، به‌طور کلی، حاکی از پویایی و فعالیت در این پهنه است. در یک نگاه کلی و منطقی، اهمیت و رونق ارجان را باید در تعامل پایدار با مناطقی همچون تَشان متصور شد و بدون چنین تعامل سازنده‌ای، امکان حیات پایدار میسر نمی‌گشت. قرارگیری ارجان در مسیرهای مهم ارتباطی، تعامل و تبادل با شهرها و بنادر را فراهم می‌کرد، اما بدیهی است که بخش دیگری از نیازهای مرکز ارجان در رابطه دوسویه و متقابل با مناطقی همچون تَشان برآورده می‌شد.

تَشان را پوشش نمی‌دهد. اگر فرض دوم را منطقی‌تر بدانیم، بر این باوریم که منابع مکتوب درباره تَشان و اهمیت آن اطلاعات چندانی عرضه نمی‌کنند و اهمیت آن را باید از طریق فرهنگ مادی منطقه دنبال کرد. اشاره کردیم که یکی از دلایل این عدم توجه به تَشان را باید در مقوله راه‌ها و مسیرهای ارتباطی دنبال کرد. با این حال، شواهد باستان‌شناختی پهنه تَشان حکایت از یک منطقه مهم در امر کشاورزی دارد؛ حضور آسیاب‌های فراوان در روستاهای مختلف مهر تأییدی بر غنای کشاورزی در این پهنه است. در کنار این شاهد مهم، شواهد



تصویر ۱۹. بنای خان‌نشین، برکه‌ها و استقرارهای مربوط به کوچ‌روها در روستای بَجَک (Google Earth 2018).



تصویر ۲۰. بنای خان‌نشین بَجَک (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۲۱. برکه‌های روستای بَچَک (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۲۲ الف. نمونه سفال‌های روستای بَچَک.



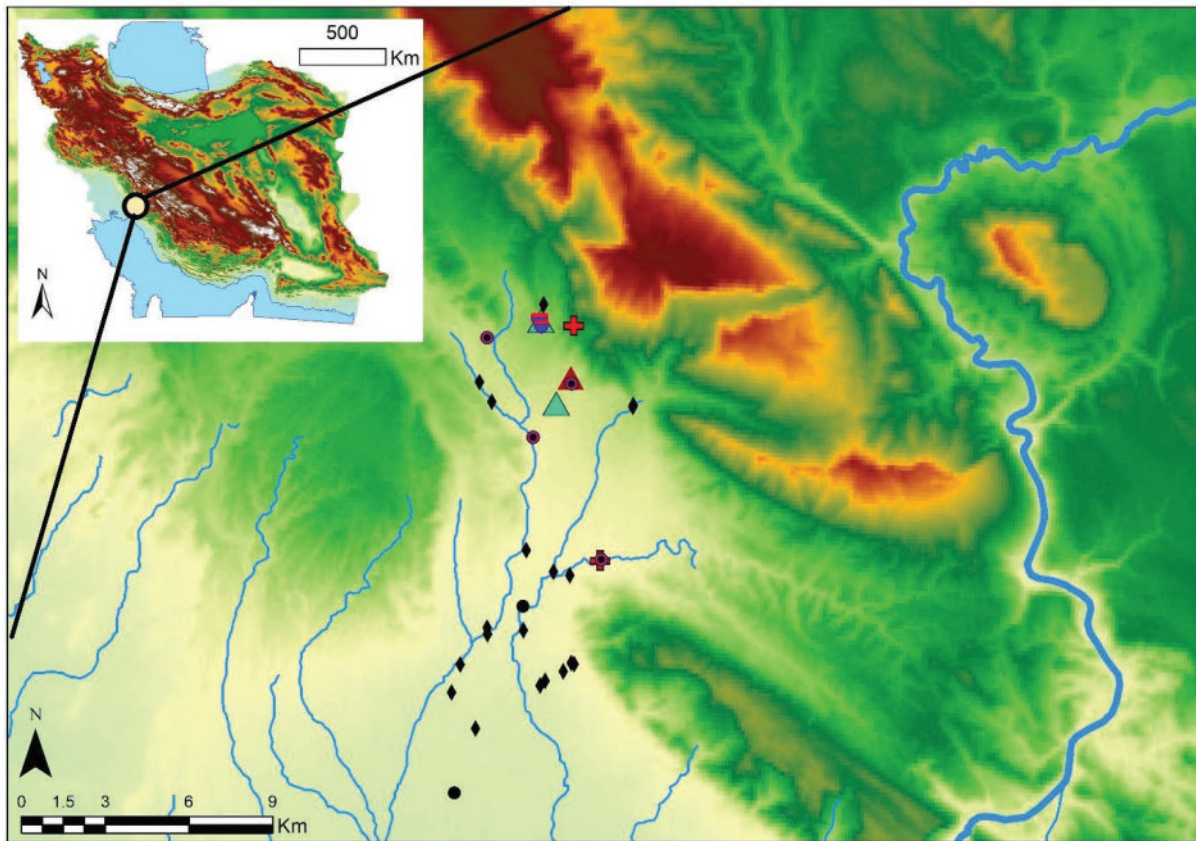
تصویر ۲۲. ب. نمونه سفال‌های روستای بَک.

شماره	میزان پخت	آمیزه	رنگ سطح خارجی	رنگ سطح داخلی	رنگ خمیره	تزیینات	منبع مقایسه
۱	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۲	کافی	معدنی	خاکستری	قرمز	قرمز	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۳	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نازنجی	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۴	کافی	معدنی	قرمز	نخودی	قرمز	طرح هندسی	Alizadeh 2014
۵	کافی	معدنی	نخودی	نخودی	نخودی	نوار هندسی	Alizadeh 2014
۶	کافی	معدنی	خاکستری	نخودی	خاکستری	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014
۷	کافی	معدنی	قرمز	نخودی	نازنجی	طرح هندسی	Alizadeh 2014
۸	کافی	معدنی	خاکستری	نخودی	خاکستری	فاقد تزیینات	Alizadeh 2014

جدول ۲. مشخصات سفال‌های محوطه بَک.



تصویر ۲۳. بقایای آغل‌های (در گویش لری: کَرَه) موقت در محوطه بَک (عکس از: افشین خسروثانی، ۲۱ فروردین ۱۳۹۷).



تصویر ۲۴. پراکنش فرهنگ مادی منطقه تشان (نقشه از: محسن بهرامی‌نیا، ۱۴۰۱).

منابع

- آزادی، احمد؛ ابراهیم قزلباش، مجید کوهی‌گیلوان
۱۳۹۷ "تویافته‌های منطقه منصورآباد بهبهان براساس بررسی‌های باستان‌شناسی"، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، شماره ۴، سال دوم، ۹۹-۱۲۰.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم
۱۳۴۰ *مسالك و ممالك*، باهتمام ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانی، حمزه بن حسن
۱۳۴۶ *تاریخ پیامبران و شاهان*، برگردان جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- اقتداری، احمد
۱۳۷۵ *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی و جغرافیای تاریخی و آثار باستانی (۳)*، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بابلی مؤخر، حمید؛ محمدحسین رامشت
۱۳۹۸ "ارزیابی توانمندی‌های ژئوتوریستی منطقه تشان شهرستان بهبهان براساس روش پرالونگ به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار"، *فصل‌نامه جغرافیای طبیعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۳، ۷۰-۵۳.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورنا
۱۳۷۲ *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، چاپ دوم، برگردان عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- ثعالی، ابومنصور محمد بن عبدالملک
۱۳۸۵ *شاهنامه ثعالی*، برگردان محمود هدایت، تهران: اساطیر.
- حسینی‌منشی، محمدمیرک‌بن‌مسعود
۱۳۸۵ *ریاض الفردوس خانی*، چاپ دوم، بکوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
- خسروثانی، افشین
۱۳۹۷ *پهنه فرهنگی ارجان از منظر مدیریت آب (اواخر دوره ساسانی و دوره اسلامی)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۱۳۹۹ "جغرافیای تاریخی و نام‌جای‌شناسی ارجان در دوران ساسانی و اسلامی"، *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*، شماره ۱۱، سال چهارم، ۱۵۱-۱۳۳.
- دینوری، ابوحنیفه
۱۳۷۱ *الاخبار الطوال*، چاپ چهارم، برگردان محمود مهدوی‌دامغانی، تهران: نی.

- رضوی، ابوالفضل
۱۳۸۷ "راه‌های تجاری در عهد ایلخانان"، پژوهشنامه تاریخ، دوره ۳، شماره ۱۱، ۷۱-۹۰.
- مختاران، دولتی
۱۳۹۴ بهبهان: سیمای فرهنگی-اجتماعی، تهران: بصیرت.
- مستوفی، حمدالله
۱۳۶۲ نزهه القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد
۱۳۶۱ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، برگردان علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- شوارتس، پاول
۱۳۷۳ جغرافیای تاریخی فارس، برگردان کیکاووس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر
۱۳۶۲ تاریخ طبری، ج ۲، چاپ دوم، برگردان ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- گاویه، هاینس
۱۳۵۹ ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، برگردان سعید فرهودی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عبدی، کامیار؛ محمدتقی عطائی و شهرام زارع
۱۳۸۷ گزارش فصل دوم بررسی باستان‌شناسی شهرستان بهبهان-خوزستان، جلد ۴، بایگانی اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی کشور (منتشر نشده).
- لسترنج، گای
۱۳۷۷ جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، چاپ سوم، برگردان محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف
۱۳۷۳ ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، برگردان مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- References**
Alizadeh, A.
2014 *Ancient settlement systems and cultures in the Ram Hormuz plain, southwestern Iran: Excavations at Tall-e Geser and Regional Survey of the Ram Hormuz Area*. Oriental Institute of the University of Chicago.m
Harverson, M.
1993 "Watermills in Iran." *Iran*, 31(1), 149-177.
Neely, J.
2011 "Sasanian period drop-tower gristmills on the Deh Luran Plain, southwestern Iran." *Journal of Field Archaeology* 36(3): 232-254.
Priestman S.M.N.
2005 *Settlement and ceramics in Southern Iran: An analysis of the Sasanian and Islamic periods in the Williamson collection*. Unpublished M.A. Thesis, Department of Archaeology, University of Durham.